

## بررسی تأثیر چرخه عمر بر گزارشگری مالی محافظه کارانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامحسین مهدوی<sup>۱\*</sup>، لیلا کنعانی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله، تأثیر چرخه عمر بر گزارشگری مالی محافظه کارانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی شده است. نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۳۰ مشاهده سال-شرکت مربوط به ۱۰۳ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۳ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای اندازه‌گیری چرخه عمر از الگوی آنتونی و رامش (۱۹۹۲) و برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از الگوی خان و واتز (۲۰۰۹) استفاده شده است. در تحلیل فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۰ و EViews نسخه ۹ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی بیانگر این است که مراحل مختلف چرخه عمر شرکت شامل رشد، بلوغ و افول بر محافظه‌کاری تأثیر دارد و در نتیجه در مراحل مختلف چرخه عمر، وضعیت محافظه‌کاری شرکت‌ها تغییر می‌کند. به این ترتیب که، میزان محافظه‌کاری در مرحله افول چرخه عمر از مراحل بلوغ و رشد چرخه عمر بیشتر است. همچنین، در مرحله بلوغ، محافظه‌کاری از مرحله رشد بیشتر است.

**واژه‌های کلیدی:** چرخه عمر شرکت، محافظه‌کاری، اخبار خوب، اخبار بد.

۱. استاد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز

۲. کارشناس ارشد حسابداری، پردیس بین‌الملل دانشگاه شیراز، شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۶

\*نویسنده مسئول: غلامحسین مهدوی

ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

## مقدمه

مدیریت به‌عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی، با آگاهی کامل از وضعیت مالی واحد تجاری و با برخورداری از اطلاعات بیش‌تر نسبت به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، به طور بالقوه سعی دارد تصویری مطلوب از واحد تجاری ارائه دهد. در این راستا، مدیران تمایل دارند که افشای اخبار بد را به تأخیر انداخته و اخبار خوب را هر چه سریع‌تر شناسایی و افشاء کنند. این تمایل از انگیزه‌های مدیریتی متعددی از جمله قراردادهای پاداش مبتنی بر ارقام حسابداری و مسائل مربوط به دوره تصدی و اعتبار مدیران ناشی می‌شود. در چنین شرایطی، حسابداران برای کاهش نامتقارنی اطلاعات با در نظر گرفتن اصول و رویه‌های حسابداری برای رسیدن به هدف تعدیل خوشبینی مدیران، حمایت از حقوق ذینفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری<sup>۱</sup> را به کار می‌برند (لافاند و واتز، ۲۰۰۸).

از نظر کیم و ژانگ (۲۰۱۶) محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است اما پارک و چن (۲۰۰۶) معتقدند از موضوعاتی که، در مبحث محافظه‌کاری، برای کاهش نامتقارنی اطلاعات و گزارشگری مالی باید به آن توجه شود چرخه عمر<sup>۲</sup> است. طبق نظریه چرخه عمر شرکت، شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نیز همچون تمامی موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای منحنی عمر یا چرخه عمر هستند (آدیزز، ۱۹۸۹؛ و حسن و همکاران، ۲۰۱۵). در نظریه‌های اقتصاد و مدیریت چرخه عمر شرکت‌ها و مؤسسات به مراحل مختلف تقسیم می‌شود. بنابراین، فرض می‌شود که مؤسسات و شرکت‌ها نیز با توجه به هر مرحله از حیات اقتصادی خود سیاست و خط‌مشی مشخصی را دنبال می‌کنند و این سیاست‌ها به گونه‌ای در اطلاعات حسابداری شرکت‌ها منعکس می‌شود (زو، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش‌های تجربی پیشین بیانگر این است که واکنش و پاسخ بازارهای سرمایه به اطلاعات حسابداری در مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معناداری دارد (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲؛ بلک، ۱۹۹۸؛ و زو، ۲۰۰۷).

از نظر دیکینسون، (۲۰۱۱) چرخه عمر شرکت‌ها را می‌توان به‌عنوان مراحل مجزا و قابل شناسایی تعریف کرد که از تغییرات در عوامل درون‌سازمانی مانند انتخاب راهبرد، منابع مالی و توانایی‌های مدیریتی و یا عوامل برون‌سازمانی مانند محیط رقابتی و عوامل کلان اقتصادی به وجود می‌آید. بلک (۱۹۹۸) چرخه عمر را به‌عنوان نماینده‌ای برای ویژگی‌های اقتصادی شرکت‌ها

---

1. Conservatism  
2. Life Cycle

معرفی می‌کند. بنابراین، چرخه عمر یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌های شرکت است (کوبین و کامرون، ۱۹۸۳؛ اسمیت و همکاران، ۱۹۸۵؛ لستر و پارنل، ۱۹۹۹؛ و لستر و همکاران، ۲۰۰۸). همانطور که رفتارهای سازمانی در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است، انتظار می‌رود رفتارهای گزارشگری مالی نیز در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت باشد. همچنین، اندازه‌گیری محافظه‌کاری در رابطه با اصول کسب و کار، راهبردها و منابع مالی است که این عوامل اساس مراحل چرخه عمر را تشکیل می‌دهد (لیو، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰a و ۲۰۱۰b). بنابراین، بررسی این که آیا مراحل مختلف چرخه عمر یعنی رشد، بلوغ و افول بر واکنش مدیران و نامتقارنی اطلاعات ناشی از گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است یا خیر حائز اهمیت فراوان است و مسأله اساسی مطرح در این پژوهش این است که آیا مراحل مختلف چرخه عمر یعنی رشد، بلوغ و افول بر واکنش مدیران و نامتقارنی اطلاعات ناشی از گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### چرخه عمر

نظریه چرخه عمر شرکت نظریه‌ای پیچیده است و سؤال‌های گوناگونی در مورد چگونگی کاربرد آن در عمل وجود دارد (فرایلینگاوس و همکاران، ۲۰۰۵). به‌عنوان نمونه، نتایج پژوهش لستر و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که الگوهای رفتاری نسبت داده شده به مراحل مختلف چرخه عمر، لزوماً در پژوهش‌های مختلف یکسان نیست و به همین علت است که الگوهای ارائه شده برای چرخه عمر از سه مرحله تا ده مرحله متغیر است. هنکس (۱۹۹۰) مراحل چرخه عمر را به‌عنوان شکلی منحصر به فرد از متغیرهای مربوط به عملکرد و راهبرد و ساختار سازمان تعریف می‌کند. در پژوهش‌های فیلی و هوس (۱۹۶۹)، اسکات (۱۹۷۱)، گرینر (۱۹۷۲)، لایدن (۱۹۷۵) و آدیزز (۱۹۷۹) تغییرات ایجاد شده در سازمان بر اساس الگوی چرخه عمر بررسی شده است (نقل از میلر و فرایزن، ۱۹۸۴).

در حوزه حسابداری، پژوهشگرانی تأثیر چرخه عمر شرکت بر اطلاعات حسابداری را مورد بررسی قرار داده‌اند (آدیزز، ۱۹۷۹؛ آنتونی و رامش، ۱۹۹۲؛ چین و همکاران، ۲۰۰۵؛ زو، ۲۰۰۷؛ و عبدالله و مهدصالح، ۲۰۱۴). آدیزز (۱۹۸۹) چرخه عمر شرکت‌ها را به چهار مرحله شامل ظهور، رشد، بلوغ و افول تقسیم‌بندی کرد. اول، مرحله ظهور، معمولاً میزان دارایی‌های شرکت‌ها (اندازه

شرکت) در سطح نازلی قرار دارد، جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و سودآوری پایین است و شرکت‌ها برای تأمین مالی و تحقق فرصت‌های رشد به نقدینگی بالایی نیاز دارند. نسبت سود تقسیمی در این شرکت‌ها معمولاً، حداکثر ۱۰٪ بوده و نرخ بازده داخلی در مقایسه با نرخ تأمین مالی بعضاً ناچیز است. دوم، مرحله رشد، اندازه شرکت بیش از اندازه شرکت‌های در مرحله ظهور بوده، میزان فروش و درآمدها نیز نسبت به مرحله ظهور بیش‌تر است. منابع مالی، همچنین، بیش‌تر در دارایی‌های مولد سرمایه‌گذاری شده، شرکت از انعطاف‌پذیری بیش‌تری در شاخص‌های نقدینگی برخوردار است. نسبت سود تقسیمی در این طیف از شرکت‌ها معمولاً بین ۱۰٪ و ۵۰٪ در نوسان است. بازده سرمایه‌گذاری یا بازده سرمایه‌گذاری تعدیل‌شده نیز در اغلب موارد بر نرخ موزون تأمین سرمایه فزونی دارد. سوم، مرحله بلوغ، شرکت‌ها فروش با ثبات و متعادلی را تجربه کرده، نیاز به وجوه نقد در بیش‌تر موارد از طریق منابع درون‌سازمانی تأمین می‌شود. اندازه دارایی‌های این شرکت‌ها نیز به تناسب بیش از اندازه شرکت‌های در مرحله رشد بوده، نسبت سود تقسیمی نیز در این شرکت‌ها معمولاً بین ۵۰٪ و ۱۰۰٪ در نوسان است. به دلیل وفور نقدینگی و کاهش اتکاء به سیاست تأمین مالی برون‌سازمانی، عموماً بازده سرمایه‌گذاری یا بازده سرمایه‌گذاری تعدیل‌شده معادل یا بیش از نرخ تأمین سرمایه است. چهارم، مرحله افول، در این مرحله چنانچه فرصت‌های رشد وجود داشته باشد، به احتمال قریب به یقین ناچیز است. شاخص‌های سودآوری، نقدینگی و ایفای تعهدات روند نزولی داشته و شرکت در شرایط رقابتی بسیار سخت قرار داشته، ضمن این‌که هزینه تأمین مالی از منابع برون‌سازمانی بالاست به گونه‌ای که در اغلب موارد نرخ بازده سرمایه‌گذاری یا بازده سرمایه‌گذاری تعدیل‌شده کمتر از نرخ تأمین مالی است (آدیزز، ۱۹۸۹).

## محافظه‌کاری

محافظه‌کاری راهی است برای مقابله با شک و تردید موجود درباره رویدادهای آینده که در صورت پیروی بیش از حد از آن، نه‌تنها بر مطلوبیت و مفید بودن اطلاعات نمی‌افزاید، بلکه راه ایجاد ذخایر پنهان در صورت‌های مالی را برای مدیران و حسابداران باز می‌کند. گزارش‌های مالی محافظه‌کارانه صاحبان سرمایه واقع‌بینانه نیست و به ایجاد نوعی انحراف در بیان وضعیت فعلی آن‌ها می‌انجامد؛ چرا که محافظه‌کاری باعث می‌شود ارزش خالص واحد تجاری با ارزش مورد انتظار آتی برابر نباشد (اسچرودر و همکاران، ۲۰۰۸). در حالی که بیش‌تر حسابداران وجود محافظه‌کاری را قبول دارند ولی تاکنون تعریف جامعی از محافظه‌کاری ارائه نشده است. دو نوع تعریف در ادبیات حسابداری برای محافظه‌کاری مطرح است. اولی، وجود جانبداری در ارائه کم‌تر

از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آن که به وسیله فلتهم و اولسون در سال ۱۹۹۵ میلادی عنوان شد که معرف محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه ای است. دومی تمایل به سرعت بخشیدن در شناسایی زیانها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که معرف محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی است و بر همین اساس باسو در سال ۱۹۹۷ میلادی معیار نامتقارنی زمانی را معرفی کرد (کردستانی و لنگرودی، ۱۳۸۷).

کمیته فنی سازمان حسابرسی در مفاهیم نظری گزارشگری مالی بند ۱۸-۲، محافظه کاری را به عنوان یکی از مؤلفه های خصوصیات کیفی قابل اتکابودن در نظر گرفته است، اما واژه محافظه کاری را به کار نبرده است، بلکه به جای آن از واژه احتیاط استفاده کرده است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران درباره احتیاط بیان شده است که، «احتیاط عبارت است از کاربرد درجه ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه ای که درآمدها و دارایی ها بیش تر از واقع و هزینه ها یا بدهی ها کم تر از واقع ارائه نشود» (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۶).

### پیشینه پژوهش

رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی اثر محافظه کاری و رشد بر سوگیری نرخ بازده سرمایه گذاری در مقایسه با نرخ بازده داخلی را برای نمونه ای شامل ۶۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۰ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که با توجه به وجود محافظه کاری در حسابداری، رشد بالاتر در سرمایه گذاری ها منجر به بازده سرمایه گذاری کم تر می شود. همچنین، در حسابداری محافظه کارانه تر نرخ بازده سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت، مشروط بر این که سرمایه گذاری ها به طور هموار در یک دوره رشد کنند.

سلطانی و احمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی نقش محافظه کاری حسابداری بر جهت پیش بینی سود مدیران را برای نمونه ای شامل ۸۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۰ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین محافظه کاری و جهت پیش بینی مدیران رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، در شرکت های دارای نوسان سود بیش تر و چرخه عملیات طولانی تر، این رابطه منفی، قوی تر است.

ابراهیمی کردلر و شمس (۱۳۹۴) در پژوهشی اثر ریسک بر محافظه کاری را برای نمونه ای شامل ۷۵۹ سال- شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۰ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین ریسک غیرسیستماتیک و محافظه کاری حسابداری بود. همچنین، نتایج نشان دهنده این بود که ریسک سیستماتیک موجب گزارش دیر هنگام اخبار بد می شود اما

لزوماً به شناسایی اخبار خوب منجر نمی‌شود. سرانجام، بین ریسک غیرسیستماتیک و محافظه‌کاری، در حضور متغیرهای کنترلی رابطه معناداری مشاهده نشد.

دائو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی و عملکرد سهامداران بر دوره تصدی حسابرسی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری ۶۲۴ شرکت - سال آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۲ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که با توجه به رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرسی، شرکت‌های با حساب‌رسان رسمی با دوره تصدی کم‌تر تمایل به محافظه‌کاری بیش‌تر و شرکت‌های با حساب‌رسان رسمی با دوره تصدی بیش‌تر تمایل به محافظه‌کاری کم‌تر دارند.

دیفاند و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی تأثیر محافظه‌کاری مشتریان بر قرارداد حسابرسی ۱۴۸۵۳ سال - شرکت آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۷ را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مشتریان محافظه‌کارتر دعاوی حقوقی کم‌تری علیه حساب‌رسان مطرح می‌کنند. بنابراین، حساب‌رسان از مشتریان محافظه‌کارتر مبلغ قرارداد حسابرسی کم‌تری درخواست می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش دیفاند و همکاران نشان داد که محافظه‌کاری مشتریان به عنوان یک عامل مهم تعیین‌کننده خطر حسابرسی، بر قرارداد حسابرسی تأثیر دارد.

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) به بررسی محافظه‌کاری و خطر نوسانات قیمت سهام در سطح شرکت‌های آمریکایی در بازه زمانی ۱۹۶۴-۲۰۰۷ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که محافظه‌کاری شرطی رابطه معنادار و منفی با خطر ورشکستگی آتی دارد. همچنین، در پیش‌بینی‌ها یک رابطه قطعی بین محافظه‌کاری و خطر نوسانات قیمت سهام در شرکت‌های با نامتقارنی اطلاعات بالا مشاهده شد.

ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های مراحل چرخه عمر شرکت بر عدم‌تقارن زمانی جریان نقدی عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که ویژگی‌های توصیف‌کننده مراحل چرخه عمر شرکت شامل اندازه، سن، مخارج سرمایه‌ای و اهرم مالی شرکت بر عدم‌تقارن زمانی جریان نقدی عملیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، تأثیر رشد فروش و نسبت سود تقسیمی هر سهم بر عدم‌تقارن زمانی جریان نقدی عملیاتی منفی و معنادار است.

اوکونر و برن (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه بین حاکمیت شرکتی و چرخه عمر ۲۰۵ شرکت از ۲۱ کشور در سطح جهان طی سال ۲۰۱۳ را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شرکت‌های بالغ تمایل بیش‌تری به استقلال در اداره شرکت دارند. همچنین، شرکت‌ها در مرحله رشد تمایل بیش‌تری به پاسخ‌گویی، نظارت و کنترل دارند.

حسن و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه بین بررسی چرخه عمر شرکت و هزینه سرمایه سهام ۸۰۲۰ شرکت - سال استرالیایی در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۲ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که هزینه سرمایه سهام شرکت ها به طور قابل توجهی در سراسر مراحل چرخه عمر متفاوت است. هزینه سرمایه سهام در مراحل ظهور و افول بالاتر و در مراحل رشد و بلوغ پایین تر است.

تیان و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه بین چرخه عمر و ساختار سرمایه ۶۲۴۶ شرکت تولیدی چینی در بازه زمانی ۱۹۹۹-۲۰۱۱ را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که الگوهای جریان های نقدی تحت تأثیر مراحل چرخه عمر است و بر ساختار سرمایه تأثیر می گذارد. سرعت تعدیل ساختار سرمایه به طور قابل توجهی در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است.

### جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ است. در این پژوهش به منظور همگون سازی شرکت ها شرایط زیر در نظر گرفته شده است. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد. شرکت ها جزء شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، بیمه ای، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشند. در دوره زمانی مورد نظر تغییر سال مالی یا توقف عملیات نداشته باشند. اطلاعات مورد نیاز برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش در دسترس باشد. با توجه به این شرایط و محدودیت ها، ۱۰۳ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شد.

### روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها

این پژوهش از نظر نوع پژوهشی توصیفی - استقرایی و با توجه به این که از این پژوهش می توان در فرایند تصمیم گیری استفاده کرد از نظر هدف جزء پژوهش های کاربردی و در حوزه پژوهش های همبستگی است، که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. بنابراین، پژوهشی پس رویدادی است و با روش قیاسی - استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم است. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای و همچنین، برای مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی استفاده شده است. برای آزمون آماری فرضیه های

پژوهش، پس از جمع آوری داده‌ها ابتدا آماره‌های توصیفی بررسی شده است. سپس، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نوع آزمون‌های مربوط انتخاب شده است و در بخش آخر، فرضیه‌های پژوهش از طریق الگوهای رگرسیونی آزمون شده است. فرضیه‌های پژوهش و تفسیر نتایج حاصل با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۰ و EViews نسخه ۹ تجزیه و تحلیل شده است.

### فرضیه‌های پژوهش

**فرضیه اصلی:** مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بر محافظه‌کاری تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی مربوط به فرضیه اصلی عبارتند از:

فرضیه فرعی اول: گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله بلوغ محافظه‌کارانه‌تر از مرحله رشد است.

فرضیه فرعی دوم: گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله افول محافظه‌کارانه‌تر از مرحله بلوغ است.

فرضیه فرعی سوم: گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله افول محافظه‌کارانه‌تر از مرحله رشد است.

### متغیرهای پژوهش

**متغیر مستقل:** از آن جا که هدف این مقاله بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است، مراحل مختلف چرخه عمر شرکت به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. از این رو، مطابق با پژوهش‌های آنتونی و رامش (۱۹۹۲)، کرمی و عمرانی (۱۳۸۹) و زارع (۱۳۹۰) چرخه عمر شرکت شامل سه مرحله رشد، بلوغ و افول می‌شود و مطابق با پژوهش‌های کرمی و عمرانی (۱۳۸۹) و زارع (۱۳۹۰)، به علت غیرفعال بودن معامله (خرید و فروش) سهام یا غیربورسی بودن شرکت‌های نوظهور، از مرحله ظهور چشم‌پوشی شده است.

آنتونی و رامش (۱۹۹۲) در پژوهش خود به منظور تفکیک شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر از چهار متغیر: رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت استفاده کردند. مبنای تفکیک شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر در این مقاله نیز مشابه روش مورد استفاده در پژوهش‌های آنتونی و رامش (۱۹۹۲)، پارک و چن (۲۰۰۶) و کرمی و عمرانی (۱۳۸۹) به شرح زیر است:

۱. ابتدا مقدار هر یک از متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن (عمر) شرکت برای هر سال - شرکت محاسبه می‌شود.



۲. سال-شرکت ها بر اساس هر یک از چهار متغیر مذکور و با استفاده از پنجک های آماری در هر صنعت به پنج طبقه تقسیم می شود که با توجه به قرار گرفتن در پنجک (طبقه) مورد نظر، طبق جدول ۱ نمره ای بین ۱ تا ۵ می گیرند.

جدول ۱: الگوی چرخه عمر شرکت

پنجک	سن شرکت (AGE)	رشد فروش (SG)	مخارج سرمایه ای (CE)	سود تقسیمی (DPR)
اول	۵	۱	۱	۵
دوم	۴	۲	۲	۴
سوم	۳	۳	۳	۳
چهارم	۲	۴	۴	۳
پنجم	۱	۵	۵	۳

۳. سپس برای هر سال- شرکت، نمره ای مرکب به دست می آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه بندی می شود: الف. در صورتی که مجموع نمرات بین ۱۶ و ۲۰ باشد، در مرحله رشد قرار دارد. ب. در صورتی که مجموع نمرات بین ۹ و ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار دارد. پ. در صورتی که مجموع نمرات بین ۴ و ۸ باشد، در مرحله افول قرار دارد.

تعریف عملیاتی متغیرهای بالا به صورت زیر است:

$$(۱) \quad \text{درصد سود تقسیمی} = \left( \frac{\text{سود تقسیمی}}{\text{سود هر سهم}} \right) \times 100$$

$$(۲) \quad \text{مخارج سرمایه ای} = \frac{\text{اضافات (کاهش) دارایی های ثابت مشهود طی دوره}}{\text{ارزش بازار شرکت}}$$

$$(۳) \quad \text{درصد رشد فروش} = \left( 1 - \frac{\text{فروش سال جاری}}{\text{فروش سال قبل}} \right) \times 100$$

$$(۴) \quad \text{سن شرکت} = \text{سال صورت های مالی منتهای سال تأسیس شرکت}$$

**متغیر وابسته:** در این پژوهش محافظه کاری به عنوان متغیر وابسته مطابق با الگوی خان و واتز (۲۰۰۹) در نظر گرفته می شود. در این پژوهش، همانند پژوهش های خارجی نظیر خان و واتز (۲۰۰۹) و ماری و همکاران (۲۰۱۳) و همچنین، پژوهش های داخلی نظیر فروغی و عباسی (۱۳۹۰) و عباسی و همکاران (۱۳۹۳) و سلطانی و احمدی (۱۳۹۴) از الگوی خان و واتز (۲۰۰۹)

استفاده می‌شود. این الگو جزء جدیدترین الگوهای اندازه‌گیری محافظه‌کاری است. دلیل استفاده از این الگو این است که الگوهای موجود برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از جمله الگوی باسو (۱۹۹۷) و الگوی پنمن و ژانگ (۲۰۰۲)، که در برخی از پژوهش‌های داخلی نیز از آن‌ها استفاده شده است، در اندازه‌گیری محافظه‌کاری با خطای زیادی مواجه است (بنی‌مهد و باغبانی، ۱۳۸۸). به اعتقاد برخی از پژوهشگران الگوی باسو (۱۹۹۷) در اندازه‌گیری محافظه‌کاری ضعیف است. پژوهش‌های گیولی و هاین (۲۰۰۰) و گریگوریو و اسکرات (۲۰۰۷) از آن دسته پژوهش‌هایی است که بر ضعف الگوی باسو (۱۹۹۷) تأکید دارند (نقل از مهرانی و محمدآبادی، ۱۳۸۸). کردستانی و امیریگی‌لنگرودی (۱۳۸۷) نیز در زمینه ضعف الگوی باسو (۱۹۹۷) به پای و همکاران (۲۰۰۵)، گیولی و همکاران (۲۰۰۶) و دایتریچ و همکاران (۲۰۰۶) ارجاع داده‌اند. همچنین، در الگوی خان و واتز (۲۰۰۹) افزون بر اطلاعات حسابداری از شاخص‌های بازار هم استفاده می‌شود.

واتز (۲۰۰۳) محافظه‌کاری در صورت‌های مالی را به وسیله چهار تفسیر از محافظه‌کاری شامل قراردادی، دعاوی حقوقی، قانونی و مالیات بر درآمد توضیح می‌دهد. از نظر خان و واتز (۲۰۰۹) این چهار عامل با مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت متفاوت است و این که متغیرهای اضافه شده به الگوی باسو (۱۹۹۷) نماینده‌ای برای فرصت سرمایه‌گذاری شرکت است. این متغیرها یعنی اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی شرکت به نوبه خود نشان‌دهنده تغییرات در محافظه‌کاری است. تابع  $G\_score$  معیار به هنگام بودن اخبار خوب و تابع  $C\_score$  معیار به هنگام بودن افزایشی اخبار بد نسبت به اخبار خوب یا همان محافظه‌کاری است. با استفاده از این الگو می‌توان رابطه بین سه ویژگی شامل اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی شرکت را با محافظه‌کاری آزمون کرد. در این پژوهش از  $C\_score$  برای بررسی مراحل چرخه عمر استفاده شده است. در مرحله اول برای محاسبه  $C\_score$ ، ضرایب  $\mu_i$  و  $\lambda_i$  ( $i=1-4$ ) با استفاده از رابطه (۵) برآورد به صورت مقطعی می‌شود. در مرحله بعد این ضرایب در رابطه‌های (۶) و (۷) به منظور برآورد  $C\_score$  و  $G\_score$  جایگزین می‌شود.

$$\frac{X_i}{MV_i} = \beta_1 + \beta_2 DR_i + R_i (\mu_1 + \mu_2 Size_i + \mu_3 M/B_i + \mu_4 Lev_i) + R_i * DR_i (\lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 M/B_i + \lambda_4 Lev_i) + (\delta_1 Size_i + \delta_2 M/B_i + \delta_3 Lev_i + \delta_4 DR_i Size_i + \delta_5 DR_i M/B_i + \delta_6 DR_i Lev_i) + \varepsilon_i \quad (5)$$

که در آن صرفنظر از اندیس های الگو:  $X_i$ : سود هر سهم؛  $MV_i$ : قیمت بازار سهم در اول دوره مالی؛  $R_i$ : بازده سالانه سهام شرکت؛  $DR_i$ : متغیر دامی، برای شرکت هایی که بازده منفی دارند عدد یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می کند؛  $Size_i$ : لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛  $M/B_i$ : ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؛  $Lev_i$ : نسبت بدهی به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛ و  $\varepsilon_i$ : خطای الگو.

$$C\_score = \lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 M/\beta_i + \lambda_4 Lev_i \quad (۶)$$

$$G\_score = \mu_1 + \mu_2 Size_i + \mu_3 M/\beta_i + \mu_4 Lev_i \quad (۷)$$

سرانجام،  $C\_score$  محاسبه شده با استفاده از الگوی رگرسیونی داده های ترکیبی در برابر متغیرهای مورد مطالعه در رابطه زیر قرار می گیرد.

(۸)

$$C\_score_{it} = \beta_0 + \beta_1 + \beta_2 \sum Lcg_{it} + \beta_3 Vol_{it} + \beta_4 Invc_{it} + \beta_5 Art_{it} + \beta_6 Aut_{it} + \varepsilon$$

$C\_score$ : متغیر وابسته محافظه کاری شرکت؛  $Lcg$ : متغیر دامی، اگر شرکت در مراحل رشد، بلوغ یا افول باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می کند؛  $Vol$ : انحراف معیار بازده های روزانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛  $Invc$ : چرخه سرمایه گذاری، هزینه استهلاک تقسیم بر دارایی اول دوره؛  $Art$ : متغیر دامی، اگر اظهار نظر حسابرس مقبول بوده است عدد یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می کند؛  $Aut$ : متغیر دامی، اگر حسابرسی به وسیله یک مؤسسه حسابرسی بزرگ انجام شده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می کند.

**متغیرهای کنترلی:** برای خنثی کردن اثر متغیرهای اضافی بر متغیر وابسته از متغیرهای کنترلی انحراف معیار بازده روزانه و چرخه سرمایه گذاری استفاده شده است.

### یافته های پژوهش

آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. همانطور که نتایج مندرج در جدول مزبور نشان می دهد، با توجه به میانگین، ۱۶٪ از شرکت های مورد بررسی در مرحله رشد، ۵۷٪ در مرحله بلوغ و ۲۷٪ در مرحله افول قرار دارند.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی پژوهش

متغیر	نماد متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه نمره	بیشینه نمره
محافظه‌کاری	CSCORE	۱۰۳۰	۰/۰۰۰۰۸۹	۰/۰۰۰۱۳۳	-۰/۰۰۰۳۶	۰/۰۰۱۸۴
انحراف معیار بازده روزانه	VOL	۱۰۳۰	۰/۲۲۴۶۳	۰/۳۵۹۱۰	-۰/۰۰۰۰	۴/۷۱۸۸
چرخه سرمایه‌گذاری	INCV	۱۰۳۰	۰/۰۴۱۰۷	۰/۰۳۱۶۷	۰/۰۰۰۴۲۷	۰/۲۷۵۱
مرحله رشد	Lcg1	۱۰۳۰	۰/۱۶۰۸۱	۰/۳۲۳۷۲	۰	۱
مرحله بلوغ	Lcg3	۱۰۳۰	۰/۵۷۱۱۵	۰/۴۲۳۹۹	۰	۱
مرحله افول	Lcg5	۱۰۳۰	۰/۲۷۲۹۰	۰/۳۲۰۱۹۳	۰	۱
اظهارنظر حسابرسان	ART	۱۰۳۰	۰/۳۹۴۰۵	۰/۴۸۸۸۹	۰	۱
مؤسسه حسابرسان	AUT	۱۰۳۰	۰/۲۴۴۵۵	۰/۴۳۰۰۳	۰	۱

به منظور بررسی رابطه ساده بین متغیرهای پژوهش، در جدول ۳ همبستگی بین تمام متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	محافظه‌کاری	انحراف معیار بازده	چرخه سرمایه‌گذاری	مرحله رشد	مرحله بلوغ	مرحله افول	اظهارنظر حسابرسان	مؤسسه حسابرسان
محافظه‌کاری	۱							
انحراف معیار بازده روزانه	۰/۰۹۵**	۱						
چرخه سرمایه‌گذاری	-۰/۰۳۸	-۰/۰۲۷	۱					
مرحله رشد	-۰/۳۸۷**	۰/۰۳۹	-۰/۰۴۹	۱				
مرحله بلوغ	-۰/۰۵۳	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۰	-۰/۰۵**	۱			
مرحله افول	-۰/۳۸۲**	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۵*	۰/۲۵۵**	-۰/۶۹۴**	۱		
اظهارنظر حسابرسان	۰/۰۹۶*	۰/۰۲۲	۰/۱۹۹**	-۰/۰۹۶**	۰/۰۲۶	۰/۰۵۰	۱	
مؤسسه حسابرسان	-۰/۲۵۵**	-۰/۰۳۲	۰/۰۰۲	۰/۱۷۱**	-۰/۰۳۵	-۰/۱۰۴**	۰/۰۱۶	۱

تذکر: علامت \* و \*\*، به ترتیب، نشان‌دهنده معناداری همبستگی در سطح ۵٪ و ۱٪

همانطور که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، بین متغیرهای محافظه‌کاری با انحراف معیار بازده روزانه، اظهارنظر حسابرسان و مرحله افول همبستگی مثبت و معنادار و همچنین بین

متغیرهای محافظه کاری، با مرحله رشد و اندازه مؤسسه حسابرسی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

در جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن باقی مانده ها (آزمون جارک- برا) مربوط به فرضیه ها نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود سطح معناداری بیش از ۵ درصد است؛ به این معنی که، فرض صفر آزمون جارک-برا را نمی توان رد کرد. بنابراین، فرض نرمال بودن باقیمانده ها تأیید می شود.

جدول ۴: نتایج آزمون نرمال بودن باقیمانده ها مربوط به فرضیه ها

فرضیه	آماره	سطح معنی داری
فرعی اول	۰/۵۰۸	۰/۷۷۵
فرعی دوم	۰/۵۰۸	۰/۷۷۵
فرعی سوم	۰/۳۸۶	۰/۸۲۴

در ادامه برای آزمون فرضیه ها، ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن ها از آزمون چاو استفاده شد. فرض صفر آزمون چاو مبنی بر همگن بودن داده ها است، در غیر این صورت داده ها را باید به صورت داده های تابلویی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون، مبنی بر به کارگیری داده ها به صورت داده های تابلویی شود، باید برای تخمین الگوی پژوهش از یکی از الگوهای اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده کرد. برای انتخاب یکی از این دو الگو آزمون هاسمن اجرا می شود. فرضیه صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن الگوی اثرات تصادفی برای تخمین الگوهای رگرسیونی داده های تابلویی است.

همانطور که اطلاعات مندرج در جدول ۵ نشان می دهد، سطح معناداری آزمون چاو، ۰/۰۱۲۵ است که مبین مناسب بودن به کارگیری داده ها به صورت تابلویی است. همچنین، سطح معناداری آزمون هاسمن ۰/۷۷۳ است و در نتیجه فرضیه صفر آزمون هاسمن پذیرفته می شود که مبین مناسب بودن به کارگیری الگوی اثرات تصادفی است. میزان معناداری آماره  $F$  کم تر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۰۰۰ است که معناداری الگوی رگرسیونی را تأیید می کند. همچنین، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۶۲ بیانگر این است که متغیرهای مستقل الگو ۰/۴۶۲ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

جدول ۵ نتایج آزمون الگوی رگرسیونی اثرات تصادفی محافظه‌کاری بر متغیرهای انحراف معیار بازده روزانه، چرخه سرمایه‌گذاری، مرحله رشد، مرحله افول، اظهارنظر حسابرس و مؤسسه حسابرسی را برای بررسی فرضیه‌های فرعی اول و دوم نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون الگوی رگرسیونی - فرضیه‌های فرعی اول و دوم

متغیر پیش‌بینی	آماره t	ضریب بتا	سطح معناداری
مقدار ثابت	۸/۲۹	۰/۰۰۰۰۹۷۳	۰/۰۰۰
انحراف معیار بازده روزانه	۰/۲۱	۰/۰۰۰۰۳۱۱	۰/۸۲۶
چرخه سرمایه‌گذاری	-۰/۱۵	-۰/۰۰۰۰۲۸۲	۰/۸۷۳
مرحله رشد	-۶/۱۳	-۰/۰۰۰۰۹۱۸	۰/۰۰۰
مرحله افول	۱/۲۹	۰/۰۰۰۰۱۶۶	۰/۰۰۹
اظهارنظر حسابرس	۰/۶۶	۰/۰۰۰۰۷۴۸	۰/۵۰۸
مؤسسه حسابرسی	-۰/۱۹	-۰/۰۰۰۰۲۵۵	۰/۸۴۸
آماره چاو = ۱/۳۶	سطح معناداری = ۰/۰۱۲۵		
آماره هاسمن = ۳/۲۷	سطح معناداری = ۰/۷۷۳		
آماره F = ۸/۱۰۷	سطح معناداری = ۰/۰۰۰		
ضریب تعیین = ۰/۴۶۲	ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۴۰۵		
دوربین - واتسون = ۱/۹۲			

همانطور که اعداد مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد سطح معناداری در مرحله‌های رشد و افول کمتر از ۰/۰۵ است و در نتیجه متغیرهای انحراف معیار بازده روزانه، چرخه سرمایه‌گذاری، مرحله رشد، مرحله افول، اظهارنظر حسابرس و مؤسسه حسابرسی در مرحله رشد و افول با محافظه‌کاری رابطه معناداری دارد. در این پژوهش، برای بررسی فرضیه فرعی اول، مرحله بلوغ به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شد و منفی بودن ضریب بتا در مرحله رشد بیانگر عملکرد محافظه‌کارانه‌تر شرکت‌ها در مرحله بلوغ نسبت به مرحله رشد است. بنابراین، فرضیه فرعی اول پژوهش پذیرفته می‌شود و در نتیجه گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله بلوغ محافظه‌کارانه‌تر از مرحله رشد است.

برای بررسی فرضیه فرعی دوم، مرحله بلوغ به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شد و مثبت بودن ضریب بتا در مرحله افول بیانگر عملکرد محافظه‌کارانه‌تر شرکت‌ها در مرحله افول نسبت به مرحله بلوغ است. بنابراین، فرضیه فرعی دوم پژوهش پذیرفته می‌شود و در نتیجه گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله افول محافظه‌کارانه‌تر از مرحله بلوغ است.

جدول ۶ آزمون الگوی رگرسیونی اثرات تصادفی را برای بررسی فرضیه فرعی سوم نشان می دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون الگوی رگرسیونی - فرضیه فرعی سوم

متغیر پیش بینی	آماره t	ضریب بتا	سطح معناداری
مقدار ثابت	۸/۴۳	۰/۰۰۰۱۱۹	۰/۰۰۰
انحراف معیار بازده روزانه	۰/۲۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۲۹	۰/۸۳۵
چرخه سرمایه گذاری	-۰/۱۵	-۰/۰۰۰۰۰۲۸۲	۰/۸۷۳
مرحله رشد	-۶/۶۰	-۰/۰۰۰۱۱۴	۰/۰۰۰
مرحله افول	-۱/۹۰	-۰/۰۰۰۰۲۴۴	۰/۰۵
اظهار نظر حسابرس	۰/۶۵	۰/۰۰۰۰۰۷۳۸	۰/۵۱
مؤسسه حسابرسی	-۰/۱۵	-۰/۰۰۰۰۰۲۰۷	۰/۸۷
آماره چاو = ۱/۳۵		سطح معناداری = ۰/۰۱۴۱	
آماره هاسمن = ۲/۶۵		سطح معناداری = ۰/۸۵۰	
آماره F = ۸/۴۴		سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
ضریب تعیین = ۰/۴۸۱		ضریب تعیین = ۰/۴۲۴	
دوربین - واتسون = ۲			

همانطور که اطلاعات مندرج در جدول ۶ نشان می دهد، سطح معناداری آزمون چاو، ۰/۰۱۴۱ است که مبین مناسب بودن به کارگیری داده ها به صورت تابلویی است. همچنین، سطح معناداری آزمون هاسمن ۰/۸۵۰ است و در نتیجه فرضیه صفر آزمون هاسمن پذیرفته می شود که مبین مناسب بودن به کارگیری الگوی اثرات تصادفی است. میزان معناداری آماره F کمتر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۰۰۰ است که معناداری الگوی رگرسیونی را تأیید می کند. همچنین، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۸۱ بیانگر این است که متغیرهای مستقل الگو ۰/۴۸۱ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

همانطور که اعداد مندرج در جدول ۶ نشان می دهد سطح معناداری در مرحله رشد کمتر از ۰/۰۵ است و در نتیجه متغیرهای مرحله رشد با محافظه کاری رابطه معناداری دارد. برای بررسی فرضیه فرعی سوم، مرحله افول به عنوان مبنا در نظر گرفته شد و منفی بودن ضریب بتا در مرحله رشد بیانگر عملکرد محافظه کارانه تر شرکت ها در مرحله افول نسبت به مرحله رشد است. بنابراین، فرضیه فرعی سوم پژوهش پذیرفته می شود و در نتیجه گزارشگری مالی شرکت ها در مرحله افول محافظه کارانه تر از مرحله رشد است.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی مقاله که برگرفته از پژوهش عبدالله و مهدصالح (۲۰۱۴) با رویکرد بررسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است، به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه پرداخته است. بر این اساس، در این فرضیه، تأثیر هر یک از مراحل مختلف چرخه عمر شرکت شامل رشد، بلوغ و افول بر محافظه‌کاری به تفکیک در قالب سه فرضیه فرعی بررسی شد.

فرضیه فرعی اول بر این موضوع دلالت دارد که گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله بلوغ محافظه‌کارانه‌تر از مرحله رشد است. با توجه به مبانی نظری پشتوانه تدوین فرضیه‌های پژوهش، انتظار بر این بود که مراحل مختلف چرخه عمر بر محافظه‌کاری تأثیر داشته باشد. با توجه به بررسی فرضیه فرعی اول و نتایج آماری بیان شده، فرضیه فرعی اول پذیرفته می‌شود. نتایج این فرضیه همسو با نتایج پژوهش‌های چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) و پژوهش عبدالله و مهدصالح (۲۰۱۴) و همچنین، مخالف با پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۶) است.

فرضیه فرعی دوم بر این موضوع دلالت دارد که گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله افول محافظه‌کارانه‌تر از مرحله بلوغ است. با توجه به مبانی نظری پشتوانه تدوین فرضیه‌های پژوهش، انتظار بر این بود که مراحل مختلف چرخه عمر بر محافظه‌کاری تأثیر داشته باشد. با توجه به بررسی فرضیه فرعی دوم و نتایج آماری بیان شده، فرضیه فرعی دوم پذیرفته می‌شود. نتایج این فرضیه همسو با نتایج پژوهش‌های چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) و پژوهش عبدالله و مهدصالح (۲۰۱۴) و همچنین، مخالف با پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۶) است.

فرضیه فرعی سوم بر این موضوع دلالت دارد که گزارشگری مالی شرکت‌ها در مرحله افول محافظه‌کارانه‌تر از مرحله رشد است. با توجه به مبانی نظری پشتوانه تدوین فرضیه‌های پژوهش، انتظار بر این بود که مراحل مختلف چرخه عمر بر محافظه‌کاری تأثیر داشته باشد. با توجه به بررسی فرضیه فرعی سوم و نتایج آماری بیان شده، فرضیه فرعی سوم پذیرفته می‌شود. نتایج این فرضیه همسو با نتایج پژوهش‌های چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) و پژوهش عبدالله و مهدصالح (۲۰۱۴) و همچنین، مخالف با پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۶) است.

همانطور که بیان شد نتایج حاصل از آزمون هر سه فرضیه فرعی ارائه شده، بیانگر این است که مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بر محافظه‌کاری تأثیر دارد و در مراحل مختلف چرخه عمر، وضعیت محافظه‌کاری شرکت‌ها تغییر می‌کند. محافظه‌کاری در مرحله افول چرخه عمر از مراحل بلوغ و رشد چرخه عمر بیشتر است و همچنین، در مرحله بلوغ محافظه‌کاری از مرحله رشد بیشتر است. در پژوهش‌های آنتونی و رامش (۱۹۹۲) و بلک (۱۹۹۸) جهت مشخصی بین اطلاعات حسابداری و مراحل چرخه عمر بیان نشده است. در پژوهش اسکینر (۱۹۹۳) بین



اطلاعات حسابداری و مراحل چرخه عمر رابطه معناداری وجود دارد. عبدالله و مهد صالح در سال ۲۰۱۴ در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که چرخه عمر بر محافظه کاری تأثیر دارد که نتیجه گیری این مقاله با نتیجه پژوهش ایشان همسو است.

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های فرعی چرخه عمر بر محافظه کاری تأثیر دارد و در مراحل مختلف چرخه عمر، وضعیت محافظه کاری شرکت ها تغییر می کند. اعمال محافظه کاری بیش تر مدیران در مراحل مختلف چرخه عمر یعنی رشد، بلوغ و افول باعث کاهش شفافیت و نامتقارنی اطلاعات صورت های مالی و گزارش های ارائه شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود. محافظه کاری در مرحله افول چرخه عمر از مرحله بلوغ و رشد چرخه عمر بیش تر است و همچنین، در مرحله بلوغ محافظه کاری از مرحله رشد بیش تر است. بنابراین، به کلیه فعالان بازار سرمایه، تصمیم گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل در بورس اوراق بهادار توصیه می شود در تحلیل طرح های سرمایه گذاری در دارایی های مالی و اوراق بهادار برای ارزیابی شرکت ها، میزان مخاطرات، زمان بندی و سرمایه گذاری های خود به عامل حیاتی چرخه عمر شرکت توجه وافر و درخور اهمیت داشته باشند؛ زیرا در نظر گرفتن این عامل مهم منجر به انتخاب سبد سرمایه گذاری بهینه با کم ترین مخاطره و بیش ترین بازدهی می شود. ضمن آنکه شفافیت محیط تصمیم گیری و نتایج حاصله را نیز دو چندان می کند. وجود محافظه کاری در صورت های مالی بیش از هر گروهی، منافع اعتباردهندگان و سرمایه گذاران را حفظ می کند. بنابراین، اطلاع از وجود محافظه کاری اطمینان خاطری برای این افراد است و به استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری و مالی توصیه می شود که در هنگام اتخاذ تصمیم های مالی خود، به روابط موجود بین متغیرهای چرخه عمر و محافظه کاری شرکت توجه کنند.

پیشنهاد می شود پژوهشگران آینده موارد زیر را در پژوهش های خود بررسی کنند: در این پژوهش به منظور اندازه گیری محافظه کاری از معیار خان و واتر (۲۰۰۹) استفاده شد، پیشنهاد می شود در مطالعات آینده، محافظه کاری با استفاده از سایر معیارهای موجود مانند باسو (۱۹۹۷)، گیولی و هاین (۲۰۰۰) و کیم و ژانگ (۲۰۱۰) اندازه گیری و مورد بررسی قرار گیرد؛ تکرار این پژوهش با استفاده از سایر الگوهای طبقه بندی مراحل مختلف چرخه عمر؛ انجام پژوهش در بازه های زمانی گسترده تر؛ بررسی تأثیر محافظه کاری بر مراحل چرخه عمر شرکت ها؛ بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر متغیرهای دیگری همچون مدیریت سود، کیفیت سود و غیره؛ بررسی تأثیر نظریه نمایندگی بر چرخه عمر و محافظه کاری؛ و بررسی تأثیر چرخه عمر بر محافظه کاری مشروط و نامشروط.

در انجام هر پژوهش محدودیت هایی بر سر راه پژوهشگر قرار می گیرد که این پژوهش از آن

مستثنی نیست. در این پژوهش شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ و بیمه به علت ماهیت خاص فعالیت آن‌ها از جامعه آماری حذف شده‌اند، لذا نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به تمامی شرکت‌ها را ندارد. همچنین، داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نشده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود و افزون بر این به علت غیرفعال بودن معامله (خرید و فروش) سهام یا غیربهره‌برداری شرکت‌های نوظهور و در دسترس نبودن اطلاعات شرکت‌ها در مرحله ظهور از بررسی تأثیر مرحله ظهور بر محافظه‌کاری چشم‌پوشی شده است. به عنوان نمونه، بر اساس اعتقاد بیچوک و حمدانی (۲۰۰۹) نتایج با بررسی مرحله نوظهور نیز ممکن است متفاوت شود.

## منابع

- ابراهیمی کردلر، ع. و شمس، ز. (۱۳۹۴). "اثر ریسک بر محافظه‌کاری". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۷ (۲۶)، ۷۴-۹۱.
- بنی‌مه‌دی، ب. و باغبانی، ت. (۱۳۸۸). "اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶ (۵۸)، ۵۳-۷۰.
- رحمانی، ع.، کرمی، ف. و عامری، ب. (۱۳۹۴). "بررسی اثر محافظه‌کاری و رشد بر سوگیری نرخ بازده سرمایه‌گذاری در مقایسه با نرخ بازده داخلی". *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۵۹-۸۱.
- زارع، س. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر اجزای هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- سلطانی، ا. و احمدی، ن. (۱۳۹۴). "نقش محافظه‌کاری حسابداری در سوییچ پیش‌بینی سود مدیران". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۷ (۲۶)، ۱۰۸-۱۲۳.
- عباسی، ا.، شهرتی، ع. و فدک‌فروشان، م. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر خطر ریزش قیمت سهام در شرایط عدم‌تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران". *دانش حسابداری*، ۵ (۱۹)، ۱۴۱-۱۶۲.
- فروغی، د. و عباسی، ج. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری". *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، ۱ (۱)، ۱۱۳-۱۳۳.
- کردستانی، غ. و امیریگی‌لنگرودی، ح. (۱۳۸۷). "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۳)، ۸۹-۱۰۶.

کرمی، غ. و عمرانی، ح. (۱۳۸۹). "تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد". پژوهش های حسابداری مالی، ۲ (۳)، ۴۹-۶۴.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۶). استانداردهای حسابداری، نشریه ۱۶۰، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

مهرانی، س. و محمدآبادی، م. (۱۳۸۸). "روش های اندازه گیری محافظه کاری". حسابدار، ۱۰ (۲۰۶)، ۵۸-۶۳.

Abdullah, A.A. and Mohd-Saleh, N. (2014). "Impact of Firms' Life-Cycle on Conservatism: the Malaysian Evidence". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145: 18-28.

Adizes, I. (1989). *Corporate Life Cycle: How and Why Corporate Grow and Die and What do about it*. 1th Ed, New Jersey: Prentice Hall Publisher.

Anthony, J.H. and Ramesh, K. (1992). "Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices: A Test of the Life Cycle Hypothesis". *Journal of Accounting and Economics*, 15 (2-3): 203-227.

Basu, S. (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 3-37.

Bebchuk, L. and A. Hamdani (2009). "The Elusive Quest for Global Governance Standards". *University of Pennsylvania Law Review*, 157 (633): 1263-1316.

Black, E.L. (1998). "Life-Cycle Impacts on the Incremental Relevance of Earnings and Cash Flow Measures". *Journal of Financial Statement Analysis*, 4 (1): 40-56.

Charitou, A., Lambertides, N. and Trigeorgis, L. (2011). "Distress Risk, Growth and Earnings Quality". *Abacus*, 47 (2): 158-181.

Chen, S.K., Chang, Y.L. and Fu, C.J. (2010a). "Impact of Life-Cycle on the Value-Relevance of Financial Performance Measures". *Advances in Business and Management Forecasting*, 7: 37-58.

Chen, X.; Yang, W.; and D. Huang (2010b). "Corporate Life-Cycle and the Accrual Model: An Empirical Study Based on Chinese Listed Companies". *Frontiers of Business Research in China*, 4 (3): 580-607.

- Chin, C. L.; Tsao, S. M.; and H. Y. Chi (2005). "The Relevance of Patents for Market Value: A Study of Chinese Firms in Different Stock Markets". *International Journal of Management*, 23 (3): 606-619.
- Dao, M., Hassab Elnaby, H.R. and Said, A. (2015). "The Impact of Audit Committee and Shareholder Activism on the Association between Audit-Firm Tenure and Accounting Conservatism". *Accounting and Finance Research*, 4 (1): 112-128.
- DeFond, M.L., Lim, C.Y. and Zang, Y. (2016). "Client Conservatism and Auditor-Client Contracting". *The Accounting Review*, 91 (1): 69-98.
- Dickinson, V. (2011). "Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle". *The Accounting Review*, 86 (6): 1969-1994.
- Dietrich, J.R.; Muller, K.L. and Riedl, E.J. (2006). "Asymmetric Timeliness Tests of Accounting Conservatism". *Review of Accounting Studies*, 12 (1): 95-124.
- Frielinghaus, A., Mostert, B. and Firer, C. (2005). "Capital Structure and the Firms Lives Stage". *South African Journal of Business Management*, 36 (4): 9-18.
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000). "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become more Conservative?". *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320.
- Hanks, S. (1990). An Empirical Examination of the Organizational Life Cycle in High Technology Firms. *Doctoral dissertation*, University of Utah.
- Hasan, M.M., Hossain, M., Cheung, A. and Habib, A. (2015). "Corporate Life Cycle and Cost of Equity Capital". *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (1): 46-60.
- Khan, M. and Watts, R.L. (2009). "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3): 132-150.
- Kim, J.B. and Zhang, L. (2016). "Accounting Conservatism and Stock Price Crash Risk: Firm Level Evidence". *Contemporary Accounting Research*, 33 (1): 412-441.
- Lafond, R. and Watts, R.L. (2008). "The Information Role of Conservatism". *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.

- Lee, C.W.J., Li, L.Y., and Yue, H. (2006). "Performance, Growth and Earnings Management". *Review of Accounting Studies*, 11 (2-3): 305-334.
- Lester, D. and Parnell, J. (1999). "A Strategic Interpretation of Organization Life Cycle". *Journal of Applied Management and Entrepreneurship*, 5 (1): 14-32.
- Lester, D.L., Parnell, J.A. and Carraher, S. (2003). "Organizational Life Cycle: A Five-Stage Empirical Scale". *International Journal of Organizational Analysis*, 11 (4): 339-354.
- Lester, D., Parnell, J., Crandall, W. and Menefee, M. (2008). "Organizational Life-Cycle and Performance Among SMEs- Generic Strategies for High and Low Performers". *International Journal of Commerce and Management*, 18 (4): 313-330.
- Liu, M. (2008). *Accruals and Managerial Operating Decisions over the Firm Life-Cycle*. USA: Pennsylvania State University.
- Mary, E., Landsman, B., Raval, V. and Wang, S. (2013). *Conservatism and the Information Content of Earnings*. Kenan-Flagler Business School, University of North Carolina at Chapel Hill, NC: Chapel Hill.
- Miller, D. and Friesen, P.H. (1984). "A Longitudinal Study of the Corporate Life Cycle". *Management Science*, 30 (10): 1161-1183.
- Pae, J., Thornton, D. and Welker, M. (2005). "The Link between Earnings Conservatism and the Price to Book Ratio". *Contemporary Accounting Research*, 22 (3): 693-717.
- Park, Y. and Chen, K.H. (2006). "The Effect of Accounting Conservatism and Life-Cycle Stages on Firm Valuation". *Journal of Applied Business Research*, 22 (3): 75-92.
- Penman, S.H. and Zhang, X.J. (2002). "Accounting Conservatism, the Quality of Earnings, and Stock Returns". *The Accounting Review*, 77 (2): 237-264.
- O'Connor, T. and Byrne, J. (2015). "Governance and the Corporate Life-Cycle". *International Journal of Managerial Finance*, 11 (1): 23-43.
- Quinn, R. and Cameron, K. (1983). "Organizational Life Cycles and Shifting Criteria of Effectiveness: Some Preliminary Evidence". *Management Science*, 29 (1): 33-51.

Schroeder, R.G., Clark, M.W. and Cathey, J.M. (2008). *Financial Accounting Theory and Analysis: Text and Cases*. 9th Ed, NJ: John Wiley & Sons.

Smith, K.G., Mitchell, T.R. and Summer, C.E. (1985). "Top Level Management Priorities in Different Stages of the Organisational Life Cycle". *Academy of Management Journal*, 28 (4): 799-820.

Tian, L., Han, L. and Zhang, S. (2015). "Business Life Cycle and Capital Structure: Evidence from Chinese Manufacturing Firms". *China & World Economy*, 23 (2): 22-39.

Watts, R.L. (2003). "Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications". *Accounting Horizons*, 17 (3): 207-221.

Xu, B. (2007). "Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor". *Review of Accounting and Finance*, 6 (2): 162-175.